

میدون و سوفیا

چی بود و چی شد؟



✎ **پوریا عالمی**

● چی بودیم چی شدیم؟ قبلا نصف مردم شاعر بودند، نصف مردم عاشق. الان نصف مردم اساتارت‌آپ هستند، نصف مردم اینفلوئنسر. قبلا دخترا منتظر خواستگار بودند، پسرها دنبال معافی. الان دخترا منتظر لایک هستند، پسرها دنبال دایرکت. قبلا دخترا فوکلی بودند، پسرها پشت‌مو می‌گذاشتند. الان دخترا اکستنشن، پسرها موهایشان را شبیه چراگاه می‌زنند. قبلا دخترا گل چینی یاد می‌گرفتند، پسرها کنده‌لات محل می‌شدند. الان دخترا مزون مانتو راه می‌اندازند، پسرها شاخ اینستاگرام می‌شوند. قبلا فعالیت سیاسی، شعرنویسی روی دیوار بود و شب‌نامه. الان فعالیت سیاسی، توییت‌نویسی است و شب‌نامه به دافی دادن. قبلا یک نفر کار می‌کرد همه می‌خوردند. الان همه هر کاری کنند یک نفر هم نمی‌تواند بخورد. **جمع‌بندی** سوفیا... قبلا من شب‌ها عاشق می‌شدم صبح‌ها فارغ. الان شب‌ها فالو می‌کنند روزها اتفالو... عاشق فالوئر - اینفلوئنسر تو؛ میدون دوم

پیشنهاد

گروه فراموش شده ضیافت‌ها

ابراهیم عمران

● گروه‌های الیت جامعه که طیف وسیعی از سیاسیون، هنرمندان، ورزشکاران، پزشکان، مهندسان، وکلا، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران را شامل می‌شود، طبق سنت این سال‌ها، با رئیس‌جمهور در ضیافت افطار دیداری دارند تا از برخی مسائل بشنوند و اگر موقعیتی هم شد، کلامی بر زبان جاری کنند که فی‌نفسه خرده و ایرادی بر آن نیست که این گروه‌ها به‌نوعی همان دغدغه‌ها و منویاتی را دارند که گروه‌های میانی و پایینی جامعه؛ گیرم نوع جهت‌گیری بر فرض مثال فرد بازیگر شاید بر مدار خواسته‌های صنفی‌اش باشد که به‌نوعی نیاز و دغدغه ذاتی کارشان است که شاید در برخی موارد بعضی خواسته‌های عمومی را هم بر زبان بیاورند که «مخرج‌مشترک» آن، به دل‌گرفته‌های جامعه پهلو بزنند. حال آنچه جان و مراد اصلی این نوشته است، نه حرف‌ها و خواسته‌های این نخبان‌ها که «از دل‌گریخته‌های» قسری است که هیچ‌گاه در این مراسم‌ها حضور ملموس و عینی آید ندارند؛ هرچند شاید «سرِ دلبران» گفته آید از زبان «دیگران»! به‌راستی چه می‌شود به‌طور رندوم و از وسط شهر و از گوشه‌وکنار آن، جمعیتی گرد آیند و آنچه در سر دارند، نه با زبان ادبا و حکما و سیاسیون، بلکه با زبان محاوره و عادی خودشان، بیان دارند؟! جایگاه نخبان‌ فکری و مصلحان اجتماعی بر کسی پوشیده نیست، زیرا آنان به‌نوعی نمایندگان قشر فراموش‌شده اجتماع هستند، ولی نوع بیان و نحوه واکنش‌ها و برخی‌وقت‌ها شاید دل‌زدگی‌ها و «تحریم»کردن‌هایشان؛ اگر از قصا سرکنگبین صفرآ فزود، نباشد، نمره دیگری ندارد.

بارها دیده شده که مقامی مسئول سرزده به مکانی و اجتماعی می‌رود و ناگاه با مواردی مواجه می‌شود؛ حال این معادله اگر برعکس شود و عده‌ای بی‌خبر و به‌طور تصادفی به چنین میهمانی‌هایی بروند و حرف دل اجتماع را بگویند، چه خواهد شد؟

کمترین ثمره و فایده آن، همان بی‌واسطه روبه‌روشدن به قول سعدی «پایسان و درویش» است که فواید آن بر همان آشکار است. وقتی در زمان انتخابات و در گاه رای جمع‌کردن به میان این قشر می‌روند و به‌طور بی‌واسطه در جریان امور قرار می‌گیرند، چرا در موسم ماه خدا، این جمعیت را فراموش می‌کنند و با واسطه‌هایی حرف‌های آنان را می‌شنوند که همان نخبگانی هستند که له و علیه، شاید حرف بزنند که به‌حتم درددل همه نمی‌تواند باشد.

آری با کمی تدبیر و با اندکی درایت تصمیم‌گیران چنین اموری می‌شود طبقه دیگری از شناخت و بودن واقعی با مردم کوچه و بازار را نیز تجربه کرد که از دل این نشست‌وبرخاست‌ها، می‌توان به تجارب ارزشمندی رسید که به قول شیخ سخن: کار درویش مستمند بر آر که تو را نیز کارها باشد

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۷ ۲۵ رمضان ۱۴۳۹ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸ سال پانزدهم • شماره ۳۱۶۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

✎ **محمدرضا ثقفی**



خبر به وقت شبکه‌های اجتماعی

از سهمیه فرزندان استادان تا نمایش روح‌ها

● «#نه_به_سهمیه» همچنان جزء هشتگ‌های پرطرفدار است و به‌نوعی سبب شده تا به مجموعه‌ای از تبعیض‌هایی که در این سال‌ها انجام می‌شده است، اشاره شود. نمونه دردآور آن سهمیه فرزندان استادان دانشگاه برای جابه‌جایی و قبولی در محل زندگی‌شان بوده که همواره بسیار به آن اعتراض شده اما تغییری نکرده است. یکی از کاربران نوشته است: «سهمیه جانباз و شهید رو همیشه با احترام می‌پذیرفتم، اما از همه رومح‌تر این سهمیه فرزند اساتید، باباش استاد دانشگاه بوده؛ درآمد چند برابر حداقل حقوق کارگری می‌گرفته! بهترین مدارس هم رفته، باز آن‌قدر تبتل بوده که قبول نشده و باید حق بچه اون کارگر رو بدن بهش تا باباش نره آمریکا مثلاً!». بسیاری تقاضا کرده‌اند مسئولان در این زمینه سخن بگویند و توضیح دهند. برخی با اشاره به حجم بالای دانشگاه‌ای آزاد و همین‌طور دانشگاه‌های غیرانتفاعی درخواست کردند فرزندان استادان اگر هنوز سهمیه به آنها تعلق بگیرد، با وضعیت مالی مناسبی که دارند به‌سراغ این دانشگاه‌ها بروند و حق فرزندان افراد زحمتکش و کارگر را ضایع نکنند. به‌نظر می‌رسد فرصت مناسبی است تا اقداماتی اساسی در این زمینه آغاز شود. البته بسیاری هم به سهمیه‌ای که نمایندگان مجلس برای فرزندان خود در کنکور در نظر گرفته‌اند، نیز اشاره کرده‌اند.

● مراسم سالانه هفتمه مد عربستان امسال به یکی از اتفاقات مهم در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد، چراکه این‌بار به‌جای مانکن‌ها، هواپیماهای بدون سرنشین به معرفی لباس‌ها پرداختند. این نمایش که در هتل لوکس هیلتون در جده برگزار شد، در شبکه‌های اجتماعی با عنوان تمسخرآمیز میهمانی روح‌ها، پرواز لباس‌ها، روح‌های پرنده ... نامیده شد. هرچند سخنگوی این برنامه که هر ساله در بازار هتل در ماه رمضان برگزار می‌شود گفت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در سال جاری به‌جای مانکن‌ها با هدف ایجاد تغییر بوده است.

● بر مبنای اخبار منتشرشده به نظر می‌رسد گوگل می‌خواهد محدودیت‌هایی علیه سایت‌های ایرانی را ایجاد کند. در شبکه‌های



منظور از کار کودک فعالیتی است که کودک به‌اجبار و عمدتا به‌ علت نیاز و فقر خانواده انجام می‌دهد و به دلیل پرداختن به آن از حقوق اساسی خود ازجمله آموزش، بهداشت، شادی، بازی و کودکی محروم می‌شود و این محرومیت به رشد و سلامت او آسیب‌های جدی وارد می‌کند. به این ترتیب، کار کودکان هم به رشد فردی آنان آسیب می‌رساند، آنها را از دستیابی به حقوق اساسی خود در سال‌های حساس کودکی و نوجوانی باز می‌دارد و هم به این دلیل که کودکان ارزشمندترین سرمایه‌های اجتماعی هر کشورند، مانع توسعه پایدار جامعه می‌شود. به همین علت آنچه در ارتباط با کار کودک باید به صورت اساسی انجام گیرد، تلاش برای حذف کار کودک است. ممنوعیت کار کودکان، هم در قوانین و مقررات سازمان‌های بین‌المللی ازجمله سازمان بین‌المللی کار و یونسف آورده شده و هم در قانون کار ما برای کودکان زیر ۱۵ سال ما در نظر گرفته شده. اما در عمل عمدتا به دلایل اقتصادی شاهد گسترش کار کودکان چه در سطح خیابان و چه در مراکز و محیط‌های مختلف ازجمله کارگاه‌هایی که معمولا بر اساس مصوبه هیئت دولت مشمول قوانین کار نمی‌شوند، کار در مزارع، معادن، ساختمان‌ها، باربری، زباله‌گردی، کار خانگی و سایر مشاغل کودکان هستیم.

تجربه دیگران

داستان گیج‌کننده

خودکشی آنتونی بوردین، برنامه‌ساز تلویزیونی آمریکایی و مجری موفق برنامه‌های آشپزی سی‌ان‌ان، اندکی بعد از خودکشی کیت اسپید، طراح مشهور، توجه جهانیان را بار دیگر به این مقوله مرک‌بار جلب کرد، به‌ویژه آنکه افراد خودکشی‌کرده در زمره شخصیت‌های مشهور و موفق و ثروتمند بودند و هیچ‌کس احتمال بروز افسردگی را در آنان نمی‌داد.

از جمله مطالب متعددی که درباره این دو شخصیت در روزهای اخیر در رسانه‌های سراسر جهان منتشر شد، مقاله روز شنبه سی‌ان‌ان بود که در آن به‌طور خاص به سفر بوردین به ایران اشاره شده بود. نویسنندگان این مقاله با عنوان «آنتونی بوردین نور متفاوتی بر خاورمیانه انداخت» به سفرهای متعدد بوردین به این منطقه و از جمله به بیروت، ایران، بیت‌المقدس، ساحل غربی رود اردن و نوار غزه پرداخته‌اند. در بخش ایران این مقاله آمده است:

در سال ۲۰۱۴ که بوردین به ایران سفر کرد، گفت که با تصویر گیج‌کننده‌ای از آن کشور بازگشته است، چون تجربه‌اش با آنچه دولت آمریکا تصویر می‌کرد، کاملا متفاوت بود.



او نوشت: «آنچه ما دیدیم، آنچه با آن روبه‌رو شدیم، داستانی عمیقاً گیج‌کننده است، چون وقتی ایران را از داخل می‌بینید، وقتی خیابان‌های تهران را می‌بینید، وقتی با ایرانیان ملاقات می‌کنید، می‌بینید مکان بسیار متفاوتی است با آنچه در اخبار می‌بینید. هیچ‌جای دیگری چنین انقطاع شدیدی میان آنچه در مردم دیده و احساس می‌شود و آنچه از دولت می‌بینید و می‌شنوید، وجود ندارد.

من گفته‌ام که ایران جایی است که یک آمریکایی گرم‌ترین استقبال ممکن را می‌بیند؛ چیزی که ما فلیپررداری کرده‌ایم و کاملا درست است. ما متوجه شدیم که با وجود همه آن چیزهایی که گفته می‌شود، در تهران معمولا با غریبه‌ها خیلی بهتر از هر جای اروپای غربی برخورد می‌شود. لیخندهای بامعنا، پیشنهاد کمک، تلاش‌های کوچک برای مشارکت با وجود آنکه انگلیسی محدودی بلدند، خوشامدگویی‌ها و خوش‌رویی و نشان‌دادن حسن‌نیت به‌طورکلی». «برخلاف آنکه عده‌ای مایل هستند تصویر کنند، این یک دنیای سیاه‌وسفید نیست.

این یک بهانه نیست، فقط می‌خواهم بگویم بخش کوچکی از ایران که در این قسمت از برنامه «قطعات ناشناخته» نشان می‌دهیم، تنها بخشی از داستان بسیار عمیق‌تر، رنگارنگ‌تر، بسیار قدیمی و بسیار پیچیده است. مانند هر چیز دیگری که به اندازه امپراتوری پارسی باستانی و زیبا باشد، به‌نظم ارزشش را دارد که بیشتر و فراتر ببینیم و علاوه‌برآن مکانی است که یک روز ممکن است دلگرم‌تان کند و روز دیگر دلتان را بشکند».

یادداشت

در باب رابطه مردم با کودکان کار

در رفتار مردم با آنان نیز اثرگذار است. باید بپذیریم که کار اجباری در خیابان یا هر مکان دیگر، همان‌گونه که از نامش پیداست، انتخاب کودک نیست و اجباری است که از طرف خانواده بر او تحمیل می‌شود و درواقع اجباری است که به علت شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه به خانواده وارد می‌شود. به این ترتیب کودک کار زیر فشار دو نهاد خانواده و دولت مجبور به کار می‌شود؛ دو نهادی که باید از او حمایت کنند، یکی به علت فقر و دیگری به دلیل نداشتن برنامه‌ریزی مناسب در سطح کلان، او را مجبور به کار می‌کنند و به جای حذف کار کودک، به حذف فیزیکی کودک کار آن هم فقط در سطح خیابانی می‌پردازند. اینکه مردم باید به غیر احترام و مهربانی با این کودکان چه وظایفی نسبت به آنان داشته باشند، به آگاهی و تحلیل آنان از کار کودک بستگی دارد و در این زمینه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد بسیار مؤثر است. راه اساسی حذف کار کودکان «مشارکت مردم و مسئولیت‌پذیری دولت» است با توجه به اینکه

مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی هم مهم است. باتوجه به این اصل حمایت اجتماعی از کودکان و خانواده‌های آنان در حوزه آموزش، سلامت، تغذیه و سایر نیازهای آنها و ایجاد کار برای والدین و افراد بزرگ‌سال خانواده‌ها، تنها راه برای کاهش، تغییر و حذف کار کودکان است. مردم در صورتی می‌توانند به حمایت از کودکان کار و نه‌تنها کودکان کار در خیابان بپردازند که به دو وظیفه خود به عنوان شهروند مسئولیت‌پذیر، عمل کنند؛ پیوستن به مشارکت‌های مردمی و مطالبه‌گری اجتماعی از دولت به منظور پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری.

مغز اجتماعی- ۲۲

جای خالی بیولوژی نوین در فلسفه امروز

عنايت به تحولات جديد در بيولوژی، به‌ویژه در زمینه اپی‌ژنتیک و سلول‌های بنیادی است. بیولوژی امروز این پتانسیل را در خود دارد که به‌طور یک‌طرفه مورد سوءاستفاده قدرت سیاسی قرار نگیرد. به نظر او باید درباره فلسفه سوگیرانه ضدبیولوژیک امروز تجدیدنظر، نقد و شالوده‌شکنی شود. زیرا با پیشرفت‌های ژنتیک و اپی‌ژنتیک و بی‌بردن به انعطاف‌پذیری یا پلاستیسیته مغز، در بیولوژی‌ای روبه‌رو هستیم که در درون خود معنا تولید می‌کند و نمادین می‌شود.

مالابو می‌گوید در فلسفه ضدبیولوژی که رابطه یک‌جانبه قدرت با بیولوژی مطرح است، تن یا جسم انسان محل اعمال این قدرت متحده سیاسی است که شامل قدرت زیستی با برنامه ترمینیستی ازپیش‌برنامه‌ریزی‌شده و غیرقابل تغییر و ایستاست. آگامبن نیز در این رابطه از زندگی عریان می‌گوید که از «والتر بنیامین» به وام گرفته که شامل آن نوع بیولوژی می‌شود که حامل هیچ اختیاری در خود نیست و به‌طور ساده و طبیعی از معنا و نماد خالی است و قدرت را به‌راحتی در خود نفوذ می‌دهد و اجازه می‌دهد تا آن را در اختیار بگیرد. امروزه کمتر بیولوژیستی، فوکو و آگامبن را می‌شناسند و با اصطلاح زیستی-سیاسی (بیوپولیتیکال) آنها آشنا است. کمتر زیست‌شناسی است که پایش را از حیطه بحث درباره اتیکز و اخلاق پزشکی بیرون بگذارد و درراستای شالوده‌شکنی معادله منسوخ بین دترمینیسم بیولوژیک و هنجارها و قاعده‌های سیاسی معمول در فلسفه، وارد معادله شود. محافظ‌های اخلاقی سخت و سفتی که به دور بیولوژی کشیده شده، اجازه نمی‌دهد تا فضایی برای چنین گفت‌وگو و چالشی ایجاد شود.

اما اگر بخواهیم موضوع جدید اپی‌ژنتیک را ساده و قابل طرح کنیم می‌توان گفت که تفاوت بین ژنتیک و اپی‌ژنتیک مثل تفاوت بین نوشتن و خواندن است. وقتی یک کتاب نوشته شد، متن آن، یعنی ژن‌ها یا «دی‌ان‌ای» به‌صورت اطلاعات ذخیره‌شده در همه کپی‌های منتشرشده، وقتی به دست خوانندگان مشتاق متفاوت می‌رسد، یکسان نخواهد بود، چون هر خواننده‌ای می‌تواند داستان را به‌طور متفاوتی دریافت کند. اپی‌ژنتیک این چنین عمل می‌کند و از یک متن تعبیر مختلف به‌وجود می‌آید. این در بیولوژی همه اعضای بدن ما، ازجمله مغز و سلسله اعصاب ما اتفاق می‌افتد. بدن زنده محل اجرای برنامه واحدی نیست. در بیولوژی موجود زنده‌ای مانند انسان، داستان‌های مختلفی در حال خواندن‌شدن و معنا بخشیدن متفاوتی در حال تولیدشدن است؛ بنابراین در بیولوژی امروز نمی‌توان احتمال وحدت سوزه بیولوژیک و سوزه سیاسی را مطرح کرد. زیرا با توجه به یافته‌های اپی‌ژنتیکی و تنوع تعبیرات وابسته به بافتار بیولوژیکی، امر تأثیر قدرت سیاسی بر بدن برای همیشه ناقص و کم‌نفوذ خواهد بود. در این شرایط اطاعت صرف ساختار بدن از سیاست‌های تحمیلی غیرممکن و مقاومت و ایستادگی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

مؤسسه مطالعات سیاسی- اقتصادی «پرسش»

از روز یکشنبه، ۲۰ خرداد، میزبان درسگفتار «اقتصاد سیاسی فقر» با تدریس احمد میدری است. این درسگفتار که ساعت ۱۷:۲۰ آغاز می‌شود، به بررسی وضعیت فقر در میان طبقات گوناگون اجتماعی و تأثیر فرایندهای کوتاه و بلندمدت اقتصاد ایران بر

نشست

افزایش فقر در دهک‌های اقتصادی مختلف خواهد پرداخت و بر اساس آمارهای موجود، چشم‌انداز فقر در ایران را بررسی می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند با شماره‌های روابطعمومی مؤسسه «پرسش» ۰۲۰-۸۸۸۲۷۶۴۷-۸۸۸۲ تماس گرفته یا به پابایت qporesh.com مراجعه کنند.